

مبارزات زنان و جایگاه آنان

(سند شماره دو)

در کشورهای توسعه نیافته، بخش عظیمی از زنان به صفوف محروم‌ترین مزدبگیران پرتاب شده و اکثریت عظیمی از آنان، از کار، و تحمیل کار خانگی بدون مزد، در رنجند. از اینرو جنبش آزادی و برابری زنان به نزدیکترین متحد طبیعی سوسیالیسم علیه سرمایه‌داری تبدیل شده است.

- کشور ما ایران از این قاعده مستثنی نیست. زنان میهن ما همواره با رژیمهای مستبد و نیز فرهنگ مردسالاری و تبعیض جنسی در مصاف بوده‌اند. با سلطه جمهوری اسلامی، ستم بر زنان ابعاد گسترده‌ای یافت و مبارزه با زنان، به عنوان یکی از ارکان مهم ایدئولوژیک رژیم برای تثبیت حکومت دینی، به کار گرفته شد گرفت. ولی زنان ما سکوت نکرده و از همان فردای انقلاب و در طول عمر رژیم اسلامی به مبارزه خود ادامه داده‌اند و این امر تا برچیده شدن حکومت دینی و زن‌ستیز ادامه خواهد یافت.

- مبارزه برای سوسیالیسم، در ایران، جدا از مبارزه برای رهایی زن نیست. سوسیالیسم به خودی خود رهایی زن را تحقق نمی‌بخشد. دموکراسی سوسیالیستی فقط زمانی میسر خواهد بود که زنان نه تنها از حقوق برابر در قانون بلکه بطور مساوی با مردان، در قدرت سیاسی سهمیم باشند. سازمان ما در کنگره سوم بر موازنه مثبت بین اعضای زن و مرد سازمان تأکید نمود. این امر تاکنون عملی نشده است.

کنگره پنجم ضمن تأکید بر به روز بودن این قطعنامه و حمایت فعال سازمان از جنبش‌های فمینیستی و پشتیبانی از تشکلهای مستقل زنان جهت کسب آزادی و برابری و پیگیری مطالبات خود در جامعه، بر اجرای این قطعنامه در انتخاب کمیته مرکزی سازمان، و رعایت حق رأی نسبی به نسبت اعضای زن، پافشاری می‌کند و خواهان افزودن بند زیر به ماده پنج اساسنامه سازمان می‌باشد.

ماده ۵ : (کمیته مرکزی، عالیترین ارگان رهبری سازمان در فاصله دو کنگره است که فعالیتهای سازمان را در چهارچوب مصوبات کنگره هدایت می‌کند. عضویت در کمیته مرکزی مشروط به داشتن حداقل پنج سال سابقه عضویت در سازمان و محدود به سه دوره متوالی است). ”در انتخاب کمیته مرکزی، اصل سهمیه‌بندی، حداقل به نسبت تعداد رفقای عضو سازمان رعایت خواهد شد.“